

روش مواجهه با بی‌حجابی در دولت‌های نبوی و علوی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده*

مقدمه

پوشاندن بدن و پرهیز از برهنگی، یکی از گرایش‌های فطری است که پروردگار آن را در وجود انسان قرار داده است؛ به گونه‌ای که آدمی به‌ذاته میل به برهنگی ندارد. اولین نشانه‌های شروع بی‌حجابی در ایران، هم‌زمان با آشنایی با فرهنگ غرب و شروع غرب‌زدگی در دوره قاجار رخ داد و بعد از آن رضاخان، طرح بی‌حجابی را در جایگاه راهکار غربی‌سازی ایران به اجرا گذاشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، پایبندی به حجاب یکی از اصول اسلامی در ایران قرار داده شد. برخی با طرح شبهه‌هایی ناظر به حکومت مانند نقض حریم خصوصی، فردی بودن و اجباری نبودن حجاب، در امتداد برنامه فرهنگی غرب حرکت می‌کنند. تلاش برای کاستن جایگاه مسئله حجاب به یک امر شخصی که بیرون از قلمروی احکام دین است، با هدف رواج بی‌حیایی و نفی نقش سازنده زن مسلمان در جامعه رخ می‌دهد. آنان با طرح این ادعا که گزارش تاریخی از برخورد با پدیده بدحجابی در حکومت نبوی و علوی در دست نیست، مدعی‌اند حکومت نمی‌تواند قوانینی را در برابر بی‌حجابی اعمال نماید. این نوشتار در پی آن است تا با نگاهی تاریخی به روش‌های مواجهه دولت نبوی و علوی با بی‌حجابی پردازد و به‌طور کاربردی شیوه‌های دولت‌های پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام در این باره را بررسی کند.

پوشش زنان پیش از اسلام

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد پیش از اسلام، ساکنان شبه جزیره عربستان و حتی اطراف مانند ایران و روم به موضوع پوشش در جایگاه مقوله‌ای دینی - فرهنگی می‌نگریستند و پوشش سر میان زنان از احکام دینی دانسته می‌شد که میان دین‌های الهی مانند زرتشت و دین‌های

* دکتری تاریخ اسلام.

ابراهیمی مانند آیین حنیف، یهود و مسیحیت رواج داشت. از اولین منابع موجود درباره تاریخ ایران، جامی نقره‌ای متعلق به پنج‌هزار سال پیش از ورودش فارس است که نقش زنی بر آن وجود دارد که پوشش سرش، به صورت نواری گرد سر را گرفته است و کلاه کوچکی نیز بر سر این شخصیت وجود دارد که موهایش را از بالا به پایین پوشانده است. میان سلسله‌های ایرانی (مادها، اشکانیان و ساسانیان) نیز پوشش زن با محتوای حیا و عفاف در تاریخ ثبت شده است و حتی زنان، لبان خود را نیز از نامحرمان می‌پوشاندند.^۱ همچنین در عصر جاهلی میان عرب‌های ساکن شبه جزیره انواع پوشش‌های زنانه در منابع تاریخی ثبت شده است که با توجه به توان اقتصادی، هر خانواده با سایر خانواده‌ها متفاوت بود.^۲

پس از هجرت پیامبر ﷺ و آغاز تشریح احکام اسلامی اجتماعی مانند حجاب، این مسئله مانند دیگر برنامه‌های اجتماعی اسلام در برنامه رسول خدا ﷺ قرار گرفت که طی چند فرایند این امر به مرور در سطح جامعه اجرایی شد.

اعلام رسمی حجاب شرعی (وحی)

رسول خدا ﷺ پس از حضور در شهر مدینه و تشکیل دولت اسلامی، حجاب اسلامی را طی چند مرحله بر اساس وحی و فرمان الهی میان مردم رواج دادند. یکی از اصلی‌ترین روش‌های اعلام یک حکم در سطح جامعه، اتصال آن حکم به وحی و سخن خدا بود. حجاب مانند تحریم شراب با نزول آیات مربوط - طبق فرهنگ آن زمان و برای جاافتادن موضوع میان مردم - طی چند مرحله نازل شد که عبارت‌اند از:

۱. مرحله نخست

تا پیش از سال پنجم هجری، بر زنان مسلمان حکم شرعی حجاب نیامده بود. آنان افزون بر حضور در اجتماع، به رسم دوران پیش از اسلام با مردان هم‌صحبت می‌شدند و حتی گاهی در مهمانی‌ها با مردان نیز بر سر یک سفره غذا می‌خوردند. پس از ازدواج پیامبر ﷺ با دختر عمه‌اش (زینب بنت جحش)، خداوند آیه حجاب را بر زنان آن حضرت نازل کرد و به مؤمنان (مردان مؤمن) دستور داد هرگاه از همسران پیامبر ﷺ چیزی خواستید، از پشت پرده از آنها بخواهید. این

۱. مسعود بهرامیان و دیگران، «حجاب در ایران باستان»، ص ۱۱۱ - ۱۲۴.

۲. احمد فلاح‌زاده، «تولید و تجارت پوشاک در شبه جزیره عربی پیش از اسلام»، ص ۱۴۰ - ۱۵۰.

موضوع با نزول آیه «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»^۱ اجرایی شد. همچنین میان عرب‌های مدینه رسم بود زن‌ها گاهی مردان نامحرم را (مردان اهل محل خودشان که محرم نبودند، اما همسایه یا آشنا بودند) به خانه دعوت می‌کردند و بدون قصد خاصی و تنها برای درد دل با او هم‌صحبت می‌شدند. قرآن کریم این امر را نیز ممنوع کرد.^۲

۲. مرحله دوم

مرحله دوم نزول حکم حجاب، در پی نازل شدن این حکم درباره همسران رسول خدا ﷺ و بازداشته شدن مردان از سخن‌گفتن مستقیم با آنان و دستور به نگاه‌نکردن به ایشان بود. در این مرحله خدای متعال به زنان فرمود: «وَأَتَقِينَ اللَّهَ»^۳ شما زنان باید تقوای الهی را پیشه کنید و خود را در پس پرده قرار دهید». یعنی حالا هم باید مردان از پشت پرده با زنان صحبت کنند و هم زنان بکوشند تنها در پس پرده با مردان نامحرم صحبت کنند.

۳. مرحله سوم

زنان عرب (عموم زنان، نه طیف ثروتمندان) پیراهن‌هایی می‌پوشیدند که گریبان (یقه)، دور گردن و سینه در معرض دید بود و چون قسمت‌های پایین روسری را پشت سر می‌انداختند، به طور طبیعی گوش‌ها و گردن نمایان بود. با نزول این آیه این‌گونه لباس پوشیدن ممنوع اعلام شد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ أَرْوَاحُكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...»^۴ ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمن بگو: چادرهای خود را بر سر گیرند». بر اساس این آیه زنان مسلمان لازم بود با پوشش کامل از خانه خارج شوند. در این باره ام‌سلمه از همسران رسول الله ﷺ می‌گوید: «از زمانی که آیه ۵۹ "احزاب" نازل شد، زنان انصار از خانه با چادر سیاه بیرون می‌آمدند».^۵

۴. مرحله چهارم

خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ

۱. احزاب: ۵۳.

۲. مبارک بن محمد ابن‌اثیر، النهاية فی غریب الحدیث، ج ۵، ص ۲۰۱.

۳. احزاب: ۵۵.

۴. احزاب: ۵۹.

۵. عبدالرزاق صنعانی، تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۱.

زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...^۱ خداوند در این مرحله، به زنان پارسا دستور جدیدی می‌دهد که افزون بر موارد پیشین، لازم است چشمان خود را از نگاه‌های ناروا فرو گیرند، اندام خود را بپوشانند، زینت و آرایش خود را به جز آنجا که ناگزیر آشکار می‌شود، بر بیگانه آشکار نسازند، سینه و دوش خود را به مقنعه بپوشانند، زینت و جمال را آشکار نسازند جز برای شوهران یا

پس از نزول چهار مرحله‌ای حجاب، جامعه اسلامی در عمل حجاب را پذیرفت و شرایط آن را اعمال کرد. از این زمان به بعد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افزون بر الزام شرعی که ناشی از آیات حجاب بود، قانونی را وضع کرد تا جامعه از نظر قانونی نیز به مسئله حجاب توجه کند.

الزام قانونی حجاب شهروندان

یکی از رفتارهای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای اجرایی کردن یک حکم در سطح جامعه، تبدیل آن حکم به قانون بود. در این باره و به مصداق رفتار حکومتی، از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از زنان مسلمان گرفت، این بود که لباس بدن نما نپوشند و چادرهای خود را بین ساق پا و پشت خود جمع نکنند (و بر بدن نجسباندند) که بدن نما نباشد: «فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَىٰ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَسِبْنَ». ^۲ گنجاندن چنین مفادی در بیعت، بیان‌کننده جایگاه حکومتی پوشش اسلامی است.

بر اساس آنچه نقل شد، در آن زمان نه تنها چیزی به نام بی‌حجابی یا حتی بدحجابی در جامعه دیده نمی‌شد، بلکه حیا و پوشاندن خود از دیگران میان زنان امری سراسری بود؛ حتی میان مفسران بحث بر سر مسائلی فراتر از اینها مانند این بود که زن نمی‌تواند زینتش مانند النگو، گردنبند و زیورآلاتی که به خود می‌آویزد را هم به غیر شوهرش نشان دهد. ^۳ همچنین به زنان سفارش می‌شد نزد زنانی که اگر ظاهر شما را ببینند، وصف آن را برای شوهرانشان می‌گویند، خودتان (سروگردن) را آشکار نکنید. ^۴

مسئله حجاب زنان مؤمن و حفظ حرمت زنان، تا آنجا پیش می‌رود که حتی کنیزانی که از

۱. نور: ۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

۳. محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱۸، ص ۹۴ - ۹۵.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

صاحبان خود دارای فرزند می‌شوند (به اصطلاح ام‌ولد نامیده می‌شوند)، گرچه تا پیش از به دنیا آمدن فرزند لازم نبود حجاب داشته باشند (چون کنیز بودند)، به سبب وضعیت جدید خود (مادر فرزندان مؤمن شدن) ملزم به رعایت حجاب و پوشش می‌شوند.^۱

فرمان حکومتی به فرمانداران

از آنجاکه معنای حکومت اسلامی زمانی تصور شدنی است که احکام الهی اجرا شود، حاکم اسلامی نمی‌تواند در برابر اجرای دستور الهی سستی نماید. رسول خدا ﷺ برای رعایت احکام اسلامی به فرمانداران فرمان‌هایی نوشتند که برخی از آنها در تاریخ ثبت شده است؛ از جمله ایشان به معاذ بن جبل هنگام گسیل وی به یمن فرمود: «ای معاذ، ... آنجا که رسیدی، آداب جاهلی را در آنجا از بین ببر و دستورهای اسلامی را اجرا کن».^۲ در این دستور گرچه آشکارا از موضوع حجاب نام برده نشده است، به طور کلی باید همه دستورات الهی را اجرا می‌کرد که از جمله آنها رعایت حد پوشش در سطح جامعه بود.

دستور دیگری که در همان زمان به روشنی به نوع پوشش اشاره دارد، نامه آن حضرت به عمرو بن حزم نماینده خود در نجران (یمن) است که در آنجا از ایشان می‌خواهند مواظب باشند مردم، لباس کوتاه - که بدن را کاملاً نمی‌پوشاند - نپوشند.^۳ همچنین در این باره از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است پیامبر اکرم ﷺ از اینکه زن هنگام خارج شدن از منزل، لباسی بپوشد که به چشم نامحرم بیاید یا خود را به گونه‌ای بیاراید که مایه جلب توجه دیگران شود، نهی می‌کردند.^۴ افزون بر آن به نقل از رسول خدا ﷺ در شرح آیه «غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ»^۵ آمده است که زن در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده نماید: پیراهن، شلوار، روسری و چادر.^۶ پس از نزول آیه و حکم حجاب، یکی از همسران پیامبر ﷺ از ایشان نقل می‌کند: «یرحم الله

۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۰۶.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۵؛ محمد بن حسن شریف الرضی، المجازات النبویة، ص ۱۸۲.

۳. عبدالملک ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۵۹۵.

۴. حسین بن محمد نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰؛ قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۵.

۵. نور، ۶۰.

۶. علی بن محمد ماوردی، النکت و العیون، ج ۴، ص ۱۲۲.

النساء المهاجرات الاول لما انزل الله "وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ" شتققن اکشف مروطهن فاخترن به؛^۱ رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سرگردن خود را پوشاندند».

الگوسازی از سیره نبوی و علوی

یکی از اصلی‌ترین موارد نشان‌دهنده اعتقاد یک حاکم به فرمان‌هایی که می‌دهد، عملکرد شخصی او به‌ویژه میان اعضای خانواده است؛ این موضوع یکی از بهترین الگوهای قابل دریافت میان مردم است. بر همین اساس حضرت رسول ﷺ میان اعضای خانواده خود به موضوع حجاب در برابر نامحرم بسیار متعهد بودند؛ برای مثال زمانی ایشان به همراه جابر بن عبدالله انصاری قصد داشتند به خانه دخترش فاطمه زهرا رضی الله عنها بروند. هنگام ورود، سلام کردند و اجازه ورود خواستند. حضرت فاطمه رضی الله عنها فرمودند: «روسری بر سر ندارم [کمی صبر کنید]. رسول الله صلی الله علیه و آله هم فرمودند: با بخشی از روپوش بلندت سرت را بپوشان. سپس وارد شدند».^۲

خداوند می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۳ شما آنچه رسول الله دستور دهد بپذیرید و هرچه نهی کند واگذارید». بر اساس این آیه بر مسلمانان واجب بود به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کنند. بر اساس همین سیره نبوی، رعایت حجاب میان خاندان رسول خدا که پرورش یافته ایشان بودند مانند حضرت فاطمه رضی الله عنها، بهترین نمونه برای آشنایی با منش پیامبر صلی الله علیه و آله بود. در این باره آمده است چون خلیفه نخست تصمیم گرفت فدک را از فاطمه رضی الله عنها باز گیرد و این خبر به آن حضرت رسید، پارچه‌ای (مقنعه) را به سر و صورت و گردن خود پیچید و لباسی که از فرق تا قدم او را می‌پوشانید (چادر) بر بدن خود قرار داد و همراه با گروهی از خدمتکاران و زنان خویشاوند خود به طرف مسجد حرکت کرد (تا میان زنان مشخص نباشد)، ایشان چادر بلندی به سر کرده بود.^۴ همسران پیامبر نیز خمار (روسری) بر سر می‌کردند که گاهی به رنگ سیاه بود.^۵

۱. محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱۸، ص ۹۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۲۱۵.

۳. حشر: ۷.

۴. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳ - ۲۴.

۵. محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۵۸.

اصلاح فرهنگ عمومی

پس از نزول آیات پیش‌گفته و اعمال سیره نبوی در جامعه، جامعه اسلامی در عمل حجاب را در جایگاه دستور الهی و فرهنگ دینی پذیرفت. از سوی دیگر با توجه به آنکه در آن زمان چیزی به نام بی‌حجابی وجود نداشت و حاکمیت با این مسئله مواجه نبود، به طور طبیعی گزارش‌هایی هم که درباره برخورد حاکمیت با مقوله بی‌حجابی مورد انتظار است، به دلیل نبود اصل موضوع، بسیار اندک هستند.

میان عرب جاهلی رسم بود زنان برای نشان‌دادن عزا یا غمی بزرگ، روسری از سر برمی‌داشتند و گیسوان را پریشان می‌کردند؛^۱ برای مثال پیش از دستور حجاب، هنگام شکست مسلمانان در جنگ احد و فرار برخی از مسلمانان و پخش شایعه شهادت پیامبر ﷺ، زنان مدینه بر در خانه‌ها ایستاده بودند و منتظر بازگشت آن حضرت بودند. آنها در پی شنیدن خبر کشته‌شدن آن حضرت، موها را پریشان کردند و گیسوها را کنده بودند. وقتی پیامبر ﷺ سر رسید و آنها را در چنین حالی دید، اینان را از این کار بازداشت.^۲ بعدها در ماجرای جنگ بنی قریظه نیز با آنکه حجاب بخشی از آیین یهود بود، پس از شکست در جنگ با مسلمانان، زنان بنی قریظه گیسوان‌شان را پریشان کردند.^۳ گرچه با آمدن حکم اسلامی حجاب، این امر میان مسلمانان از بین رفت، در جامعه مشرکان همچنان ادامه یافت؛ چنان‌که در فتح مکه (سال هشتم هجری) وقتی به دختران سعید بن عاص (از بزرگان مشرکان) گفته شد رسول خدا ﷺ وارد مکه شده است، از خانه بیرون آمدند، موهای خود را پریشان کردند و روسری‌های خود را از ناراحتی بر چهره اسب‌های مسلمانان می‌زدند.^۴

همان‌طور که گذشت، همه این موارد مربوط به قبل از نزول آیات حجاب است و پس از آن، این فرهنگ جاهلی نیز از سوی آن حضرت رد شد.

پدیدآمدن سازوکار امر به معروف

رفتار رسول خدا ﷺ در دستور به فرمانداران و سیره شخصی ایشان در مسئله پوشش شرعی، سبب پدیدآمدن حس امر به معروف و نهی از منکر میان یاران ایشان شد؛ به گونه‌ای که بعدها

۱. همان، ج ۵، ص ۳۰۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۸، ص ۱۹۲.

۲. محمدباقر مجلسی، حیوة القلوب، ج ۴، ص ۹۵۳.

۳. محمد بن عمر واقدی، مغازی، ج ۲، ص ۵۱۸.

۴. همان، ص ۸۳۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۵۲.

حتی برخی از زنان محجبه از میان صحابه امر به معروف می‌کردند و به همراه خود سَوط (نوع شلاق مخصوص که معمولاً ضربه آن به آرامی نواخته می‌شد تا شخص مرتکب منکر در سطح جامعه متوجه اشتباهش شود، نه اینکه آسیب ببیند) برمی‌داشتند. از این افراد می‌توان به سَمْرَاء دختر نَهیک اشاره کرد که از زنان صحابه بود و با حضور در سطح جامعه، امر به معروف می‌کرد.^۱

پس از نزول آیات حجاب و رسمی شدن موضوع حجاب در جامعه، آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقدام به فرهنگ‌سازی پوشش شرعی و حیای شرعی در جامعه کردند؛ به‌ویژه برای زنان جلساتی در مسجد تشکیل داده و حدود مرز حجاب شرعی را توضیح می‌دادند. گاهی نیز که بانوان به آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مراجعه می‌کردند، جوانب شرعی مربوط به حجاب را بیان می‌فرمودند. در این باره نقل شده است زنی عطر فروش در مدینه به نام حولاء به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مراجعه کرد و مشکل خانوادگی اش را مطرح کرد و گفت من عطر می‌زنم و زینت می‌کنم، ولی مشکلاتی در خانه دارم. حضرت فرمودند: «ای حولاء، زینت خود را برای غیر همسرت آشکار مکن؛ بر زن جایز نیست که زیبایی‌های دست و پای خود را برای مردی غیر از شوهرش آشکار کند که اگر کرد، همیشه در نفرین، خشم الهی و فرشتگان خواهد بود و در قیامت عذابی دردناک خواهد داشت».^۲ همچنین بر خورد زنان پیامبر با هرگونه نشانه‌های کم‌حجابی در منابع ذکر شده است؛ برای مثال وقتی که حفصه دختر عبدالرحمن نوه خلیفه اول، روسری نازکی پوشیده بود و با همان حال نزد یکی از همسران پیامبر آمد، ایشان (همسر پیامبر) آن روسری را برداشت و روسری پوشاننده‌تری بر وی پوشانید.^۳

رویارویی با بی‌حجابی در دولت علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در دوره امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم بی‌حجابی یا بدحجابی در جامعه اساساً وجود نداشت تا آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مبارزه به آن برخیزد؛ از این رو همان ساختارهای فرهنگی و سیاسی پیش‌گفته که از زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تأسیس شده بود، ادامه پیدا کرد. نخستین رویارویی حضرت با مسئله

۱. احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۲۶۰.

۲. مبارک بن محمد ابن اثیر، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۷۶.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

۴. محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۵۶.

حجاب به زمانی برمی‌گردد که مردم برای بیعت با حضرت علی علیه السلام سرازیر نشناخته و به خانه ایشان سرازیر شدند. در تعبیری است یکی از ناراحتی‌ها و گلابه‌های امام علیه السلام این بود که چرا در این رخداد بیعت، دختران تازه‌بالغ (کعب) بدون نقاب بر چهره حاضر شدند تا خود را به بیعت برسانند.^۱ این امر نشان از یک هنجارشکنی اجتماعی دارد که حضرت علیه السلام انتظار آن را نداشت.

وقتی امام علی علیه السلام به خلافت رسید، مرکز خلافت را از مدینه به کوفه منتقل نمود. این رخداد پس از جنگ جمل و در تاریخ ۱۲ رجب سال ۳۶ هجری اتفاق افتاد.^۲ با حضور امام علیه السلام در کوفه، ایشان درباره مسائلی که در مدینه سابقه نداشت، ولی در کوفه رخ می‌داد، شگفت‌زده شدند؛ از جمله زنان در کوفه بی‌محابا در بازارهای شلوغ آمد و شد می‌کردند و اگر تنه آنها به مردان می‌خورد، چندان به این عمل زشت اهمیتی نمی‌دادند. وقتی خبر به آن حضرت علیه السلام رسید، ایشان در مقام حاکم اسلامی، به این آسیب اجتماعی واکنش نشان دادند و فرمودند: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ، وَيُرَاحِمَنَّ الْعُلُوجَ؛^۳ ای مردم عراق، به من خبر رسیده است که زنان شما در راه‌ها و بازارها مراعات نوع راه‌رفتن را نمی‌کنند و گاهی تنه آنها به مردان می‌خورد و اصلاً هم برایشان مهم نیست [توجهی به این کار زشت ندارند]. مگر شما حیا ندارید که مانع این کار نمی‌شوید؟ چرا اجازه می‌دهید زنانتان به این‌گونه بازارها بروند و دیگران مزاحم آنها شوند؟»

همان‌طور که در این متن هم دیده می‌شود، وضعیت آن زمان به گونه‌ای نبود که زنان کشف حجاب نمایند، بلکه در نهایت مشکل این بود که برخی از زن‌ها بنا بر فرهنگ محلی مراعات حیای عمومی را نکرده و شرم نمی‌کردند از اینکه در بازار یا راه‌ها طوری راه بروند که تنه‌شان به تنه مردان بخورد. به همین سبب حضرت علی علیه السلام پیرو حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده بود که زنان لازم است از کنار (دو سوی) راه بروند نه از وسط راه،^۴ زنان اهل عراق را امر کردند هنگام رفت و آمد باید از کنار راه (خیابان یا کوچه) عبور کنند نه وسط راه و مردان باید از وسط راه عبور کنند نه کنار راه، تا برخوردی میان‌شان پیش نیاید.

همچنین حضرت علی علیه السلام در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمودند: «فَإِنَّ شِدَّةَ

۱. عبدالحمید ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۴.

۲. ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۵۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۲۳۲.

۴. همان، ص ۱۹۱؛ مبارک بن محمد ابن اثیر، معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۴۲۹.

الْحِجَابِ خَيْرٌ لَّكَ وَلَهُنَّ مِنَ الْاِزْتِيَابِ... فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَافْعَلْ؛^۱ اگر زن حجابش را رعایت کند، همین حجاب او را حفظ می‌کند و بهتر است تا جایی که لازم نیست از خانه بیرون نرود».

در پایان حضرت علیه السلام در کلامی درباره آینده وضعیت پوشش برخی از زنان پیشگویی فرمودند و درحقیقت این گونه امر به معروف نمودند: «بُظَهِّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَانَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛^۲ زمانی خواهد آمد [آخر الزمان] که در آن بی حجابان برهنه، خود را برای غیر شوهر آراسته، دین را رها کرده و اهل شهوات و مسائل جنسی بوده و محرمات [حرام‌های] الهی را حلال می‌شمارند. آنها برای همیشه در جهنم می‌مانند».

پیامدهای اجتماعی کشف حجاب

پدیده کشف حجاب، حرکت تقلیدی و کورکورانه از غرب در عصر پهلوی بود. از طرف دیگر سست شدن بنیان خانوادگی و پیوندهای زناشویی و در نتیجه افزایش میزان طلاق و در پی آن گسترش فساد و فحشا، بی بندوباری، نپذیرفتن مسئولیت، بحران‌های اخلاقی و روانی، از بین رفتن امنیت ناموسی در اجتماع به واسطه ارتکاب جنایات عشقی و جنسی، از دیگر پیامدهای منفی کشف حجاب است. افزایش میزان طلاق که از تفکر و فرهنگ انحرافی غرب سرچشمه گرفته بود در ایران نیز اثر خود را گذارد؛ به طوری که ایران در سال ۱۳۵۵ به نقل از روزنامه «رستاخیز» ایران در ردیف چهارم طلاق در جهان قرار گرفت.

در دوران کنونی، قانون‌گذار در ماده ۶۳۸ قانون مدنی، مجازات کسانی را که در انظار عمومی تظاهر به عمل حرامی کنند را افزون بر کیفر عمل، حبس از ده روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق تعیین کرده است.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۶۰۶.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ اول، قم: مکتبة آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌اثیر، عزالدین، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، چ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۴. ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن‌سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن‌طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، چ اول، قم: الشریف‌الرضی، [بی‌تا].
۸. ابن‌هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی‌السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].
۹. ابونعیم، احمد بن عبدالله، معرفة الصحابة، تحقیق: محمدحسن اسماعیل شافعی و مسعد عبدالحمید، چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، الطبعة الأولى، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. بهرامیان، مسعود، عیسی زارع درنیایی و عزت ملا ابراهیمی، «حجاب در ایران باستان»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۲. دینوری، ابوحنیفه، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۱۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسن، المجازات النبویة، تحقیق: مهدی هوشمند، چ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.

۱۴. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز المسَمَّی تفسیر عبدالرزاق، چ اول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، چ اول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. فلاحزاده، احمد، «تولید و تجارت پوشاک در شبه جزیره عربی پیش از اسلام»، در: مجموعه مقالات حجاب پژوهی: پوشش زنان در زمان پیامبر ﷺ، قم: پژوهشکده زن و خانواده، ۱۴۰۰ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: دار الحدیث، چ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۱۸. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون (تفسیر ماوردی)، تحقیق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم، چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا].
۱۹. مجلسی، محمدباقر، حیوة القلوب، چ ششم، قم: سرور، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضی، چ دوم، قم: آل البیت، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق: مؤسسه آل البیت، چ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، ط الثالثة، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ ق.